

ارزیابی دیدگاه مفسران درباره معناشناسی عبادت شیطان در آیات

۴۴ مریم و ۶۰ یس

فتح الله نجارزادگان*^۱، نجمه کیوان‌نژاد^۲

۱. استاد گروه علوم قرآن پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن، پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۰)

چکیده

«عبادت شیطان»، به این معنا که شیطان معبود است، در دو آیه قرآن مطرح شده است. گوهر معنایی «عبادت»، «خضوع» و «تذلل» است. همه مفسران- تا جایی که می‌دانیم- «عبادت شیطان» را به معنای «اطاعت او» گرفته‌اند. این نظریه با کاستی‌هایی روبه‌رو است.

به نظر می‌رسد، منشأ این معنا نزد مفسران تلقی آنان از معنای اصطلاحی عبادت است که آن نیز با ابهام‌هایی متعدد مواجه است. حاصل بررسی‌ها چنین است که معنای عبادت شیطان همانند کاربردهای دیگر عبادت در اصطلاح قرآنی است. که طی فرایندی صورت می‌پذیرد. این فرایند، رب، اله و انقیاد و خضوع حضور دارد عابد، شخص یا چیزی را رب، یعنی مالک مدبر در امری از امور خود ببیند، در برابر آن خضوع می‌کند. در این صورت، رب چهره‌الاه به خود می‌گیرد. این خضوع خاص، «عبادت» نام دارد. بنابراین، عبادت شیطان به این معنا است که انسان، شیطان را بر اثر پیروی مدام، رب خود بگیرد و در برابرش مفقاد گردد و خضوع کند و به او سمت الوهی یا معبودی دهد.

واژگان کلیدی

عبادت، عبادت خداوند، عبادت شیطان، اطاعت.

۱. طرح مسئله

«عبادت» در قرآن از مفاهیم پرکاربرد و از اصول معارف در قرآن است. در قرآن کریم عبادت برای خداوند (البقره: ۲۱؛ النساء: ۳۶؛ المائده: ۷۲، ۱۱۷؛ الأعراف: ۵۹، ۷۳، ۸۵، ۶۵؛ هود: ۵۰؛ الإسراء: ۲۳ و ...، فرشتگان، ۴۲-۴۰؛ پیامبران و حکما آل عمران: ۷۹، طاغوت، المائده: ۶۰، بت، ابراهیم: ۳۵؛ الشعراء: ۷۱؛ شیطان، مریم: ۴۴ و یس: ۶۰، به کار رفته است. معناشناسی عبادت در قرآن کریم با این طیف وسیع کاربرد و تنوع سیاق، نیاز به جامع‌نگری در همه آیات مرتبط نیاز دارد. در مورد عبادت شیطان در قرآن، که موضوع این مقاله است، اثر مستقلى یافت نشد؛ گرچه مفسران، ذیل آیات عبادت شیطان، دیدگاه خود را بیان کرده‌اند. پرسشی که در این جا مطرح می‌شود، این است: با این که تنها یک عبادت اصیل و آن هم عبادت برای خداوند وجود دارد؛ عبادت شیطان در قرآن به چه معنا است و آیا عبادت، به معنای اطاعت است، آن گونه که مفسران باور دارند؟

۲. معناشناسی عبادت

۱.۲. عبادت در لغت

لغت پژوهان، ذیل ماده «ع.ب.د» از واژه عبادت و مشتقاتش بحث کرده‌اند. ابن منظور می‌نویسد: عبد، تحت تدبیر ایجادکننده خویش است و اصل عبودیت خضوع و فروتنی و خواری است (ابن منظور، ج ۳: ۲۷۰) از نظر ایشان، عبادت منحصرأ در مورد رابطه موجودات با خداوند متعال به کار می‌رود. طریحی عبادت را نهایت خضوع و فروتنی و خواری می‌داند. (طریحی، ج ۳: ۹۲). فیومی نیز می‌نویسد: عبادت کردن برای خداوند، همان تسلیم و فروتنی در برابر او است. سپس در مورد کسی که غیر خدا را الهه بگیرد و به او تقرّب جوید نیز به کار رفته است (فیومی، ج ۲: ۳۸۹).

ابن فارس قائل است که ماده «عبد» دو ریشه معنایی دارد: یکی بر نرمی و خواری دلالت می‌کند و معنای دیگر بر شدت و غلظت (ابن فارس، ج ۴: ۲۰۶). زبیدی عبادت را به معنای اطاعت می‌داند و نظریه کسانی را که ریشه معنایی آن را خضوع و خواری می‌دانند، بیشتر قابل پذیرش می‌داند (حسینی زبیدی، ج ۵: ۸۴-۸۳).

پس، معنای مشترک ماده عبادت در لغت، تذلل یا خواری و فروتنی است و برخی کاربرد آن را درباره خداوند منحصر می‌دانند و برخی کاربرد آن را بین خداوند و هر معبود دیگر مشترک عنوان می‌کنند. معنای اصیل و وضعی عبادت در ارتباط با خداوند متعال است؛ گرچه در مورد معبودان غیر خداوند نیز ممکن است به استعاره به کار رفته باشد.

۲.۲. عبادت در اصطلاح قرآن پژوهان

راغب، بحث را با بسط بیش‌تری آورده؛ عبودیت را اظهار خواری و فروتنی دانسته و عبادت را از آن، بلیغ‌تر عنوان کرده است؛ چون عبادت نهایت خواری و فروتنی است. پس، فقط برای کسی که نهایت فضل‌بخشی را دارد، شایسته است و او هم خداوند متعال است. عبادت دو گونه است: عبادت با «تحت سلطه بودن» (عبادت جهان هستی) و عبادت «با اختیار» که مخصوص صاحبان نطق (انسان و جن) است. (راغب اصفهانی: ۵۴۲). قرشی هم می‌نویسد: عبادت، تذلل همراه با تقدیس و نیز به معنای اطاعت است (قرشی، ج ۴: ۲۷۹).

مرحوم مصطفوی در جمع‌بندی خود چنین می‌نویسد: تحقیق این است که این ماده یک ریشه دارد و آن نهایت خواری و فروتنی در مقابل مولا، همراه با اطاعت است و این معنا ممکن است با تکوین و غریزه، یا با اختیار و یا با جعل و قرارداد باشد (مصطفوی، ج ۸: ۱۲).

برخی گفته‌اند، عبادت، خضوع برای کسی است که خاضع، او را اله می‌گیرد تا به واسطه آن، آنچه را برای او از حق امتیاز اله بودن می‌بیند، ادا کند؛ یا این‌که او را رمز یا

مجسمه کسی می بیند که او را الاهی می پندارند، و می خواهد، نسبت به او حقش را ادا کند (ر.ک: بلاغی، ج ۱: ۵۷؛ سبحانی، ج ۲: ۸۶-۸۷).

با بیان دو امر، قوت این تعریف آشکار می شود: اول، همه عبادتگراں غیر خدا، به الاهی بودن معبودان خود اعتقاد داشتند و آنان را الاهی می پنداشتند که البته در مرتبه بالاتر، الاهی بزرگی را که "الله" می نامیم، قرار می دادند. دوم، عبادت، عبارت از سخن یا عملی است که ناشی از اعتقاد به الاهی بودن معبود است و هر کار یا سخنی که از این اعتقاد ناشی نشود، عبادت نیست (سبحانی، ج ۲: ۸۷-۸۶).

به نظر ما از مجموعه کاربرد عبادت در قرآن، به دست می آید که عبادت، انقیاد و تذلل در برابر کسی است که عابد او را (درست یا اشتباه) رب و مالک مدبر می بیند و سمتی از سمت های ربوبی را برای او (دانسته یا نادانسته) در نظر می گیرد. در این زمینه، در ادامه، توضیح بیش تری خواهد آمد.

بنابراین، عبادت به معنای فروتنی یا تذلل در برابر مستحق عبادت است. این استحقاق یا با عقل و قلب سلیم تحصیل می شود، یا با پندار و تقلید نابه جا و خواهش های نفسانی. این استحقاق در ذهن عابد از آن جا شکل گرفته که معبود خود را مالک مدبر، یعنی رب خود دانسته و شأنی از شئون حیات برای او قائل می شود. با این تحلیل، روشن می شود که مستحق عبادت، تنها رب هستی، یعنی مالک مدبر خلقت، سرشت، نفع و ضرر، رزق و روزی، هدایت و ضلالت، شفاعت، مرگ و حیات و است که چنین کسی، جز حق تعالی نیست.

۳.۲. تبیین آیات عبادت شیطان

عبادت شیطان در قرآن، در دو مورد به کار رفته است که برای نمایاندن سیاق آن دو، آیات قبل و بعد هر یک را نیز بیان می کنیم: مورد نخست در این آیات، جایی است که خداوند متعال می فرماید: ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئاً

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ
 إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ
 لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا قَالَ أَرَاغِبُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمَ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا
 (مریم: ۴۶-۴۷).

در این آیات، حضرت ابراهیم علیه السلام با عموی خود، آزر سخن می‌گوید. آزر بت پرست بود و ابراهیم علیه السلام از او می‌پرسد: چرا چیزی را که بینایی و شنوایی ندارد و رفع نیاز نمی‌کند، می‌پرستی؟! از این جا روشن می‌شود که این ویژگی‌ها، از جمله شرایط معبود است؛ چون معبود باید رب باشد؛ آن‌گاه حضرت ابراهیم علیه السلام، آزر را از عبادت شیطان نهی می‌کند. پس، می‌توان گفت از نظر حضرت ابراهیم، پشت صحنه بت پرستی، عبادت شیطان است. سپس مواردی از آثار منفی عبادت شیطان را برای او به عنوان علت نهی بیان می‌کند که یکی از آن‌ها پذیرش ولایت شیطان- هر چند ناخودآگاه- است. با این وصف، آزر با خشونت و سرسختی، او را تهدید می‌کند.

به بیان برخی، از این که خداوند علت در منع از عبادت شیطان را معصیت خداوند مطرح کرده است؛ روشن می‌شود برای کسی که خدا را معصیت می‌کند، طاعتی نیست (قشیری، ج ۲: ۴۳۱). به نظر برخی نیز، روشن است که پیرو معصیت‌کار، خود، معصیت‌کار است و شایسته است نعمت‌ها از او باز ستانده و از او انتقام گرفته شود؛ از این رو به دنبال آن، در آیه سخن از سرانجام سوء است (قمی مشهدی، ج: ۸: ۲۲۸).

نتیجه آن‌که، به طریق اولی عبادت عصیانگر نسبت به خداوند نیز معقول و مجاز نیست؛ چرا که عبادت غیر خدا، گرچه مطیع خداوند هم باشد، تجویز نشده است.

مفسران- تا جایی که مشاهده شد- ولایت شیطان را نتیجه عبادت شیطان دانسته‌اند؛ حال، عبادت به هر معنا که باشد (ر.ک: مکارم شیرازی، ج ۱۳: ۷۹؛ طیب، ج ۸: ۴۴۸؛ طوسی، ج ۷: ۱۲۹؛ طبرسی، ج ۱۵: ۱۷؛ طبری، ج ۱۶: ۶۸ و ابوالفتوح رازی، ج ۱۳: ۹۰).

ماده ولایت در لغت، به سه معنا رایج است: یاری، سرپرستی و مالکیت با تدبیر و قدرت، پیروی و مولا گرفتن (ر.ک: فراهیدی، ج ۸: ۳۶۵؛ ابن منظور، ج ۱۵: ۴۰۷). *وَلِيٌّ* و *المَوْلَى* هر دو، در یاری و سرپرستی به کار می‌رود: در معنای فاعل: «مَوْلَى» و در معنای مفعول: «مَوْلَى» (راغب اصفهانی: ۸۸۵).

مفسران، «ولی» را در این آیه را به معانی مختلفی گرفته‌اند:

اول، قرار گرفتن زیر چتر ولایت شیطان (ر.ک: طباطبایی، ج ۱۴: ۷۶؛ مکارم شیرازی، ج ۱۳: ۷۹؛ طیب، ج ۸: ۴۴۸ و طبری، ج ۱۶: ۶۸).

دوم، یآوری (طوسی، ج ۷: ۱۲۹ و ابوالفتوح رازی، ج ۱۳: ۹۰).

سوم، همراهی در عذاب (گنابادی ج ۳: ۶؛ آلوسی، ج ۸: ۴۱۶-۴۱۵). در واقع این همراهی، بزرگ‌ترین عذاب در مقابل رضایت خداوند است (قمی مشهدی، ج ۸: ۲۲۸ و فخر رازی، ج ۲۱: ۵۴۵). از آنجا که ولایت، سبب این همراهی است، اطلاق اسم سبب بر مسبب شده و به صورت مجاز به کار رفته است (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ج ۲۱: ۵۴۴). به بیان برخی، می‌توان گفت «ولی» به همان معنای ظاهرش است؛ یعنی شیطان همان «مَوْلَى» برای عابدان بت‌ها است. در این صورت، این تعبیر از باب مبالغه به کار رفته است (مغنیه، ج ۵: ۱۸۴).

چهارم، پیروی، ولی، پیرو یا به پای شیطان است (ابوالفتوح رازی، ج ۲۱: ۵۴۵-۵۴۴).

به این نکته بایستی توجه داشت که چون ولایت شیطان، نتیجه عبادت او است؛ این ولایت، ولایتی در سطح معمولی نیست که تنها به معنای پیروی و اطاعت یا صرف همراهی و یا یآوری باشد؛ بلکه ولایتی است جانشین ولایت خدا و در مقابل آن؛ همان‌طور که عبادت شیطان در مقابل عبادت خداوند آمده است. پس، ولایت شیطان، به معنای پذیرش سرپرستی همه جانبه او است؛ یعنی آدمی بر اثر پیروی مدام از شیطان، او را مالک مدبّر همه شئون خود می‌گیرد و با تمام وجود در برابر او خاضع و منقاد می‌شود. این معنا با لغت عبادت و سیاق آیه و معنای اصطلاحی که از عبادت مطرح شد، سازگار است.

مورد دوم درباره عبادت شیطان، این آیات است: ﴿وَامْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ﴾ (یس: ۶۲-۵۹). این آیات ابتدا سخن از مجرمان و گنهکاران دارد. سپس عهد الاهی را یادآوری می‌کند. مهم‌ترین بندهای این عهد، پذیرش عبادت خداوند و تحذیر از عبادت شیطان است. این دو عبادت، در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و قرآن، شیطان را دشمن آشکار انسان معرفی می‌کند و از گمراهگری فراوان او پرده برمی‌دارد. انسان را به تعقل فرامی‌خواند و تعقل و تفکر را ادله پرهیز از عبادت شیطان برمی‌شمرد.

مفسران- تا جایی که بررسی شد- در مورد علت آشکار بودن دشمنی شیطان، یا نظری مطرح نکرده‌اند، یا علت را در نوع دعوت او می‌دانند که مبنای آن دعوت، سوق‌دادن انسان به بدی‌ها و هلاکت‌ها و عدم خیر است (ر.ک: طبرسی، ج ۲۰: ۴۲۵ و طباطبایی، ج ۱۷: ۱۵۲). برخی هم آشکاربودن آن را در این می‌دانند که با آن‌که خداوند آدم را گرامی داشت، شیطان قسم خورد بر سر راه خداوند برای انسان کمین کند و او را گمراه سازد (فخر رازی، ج ۲۶: ۳۰۰-۲۲۹؛ الأعراف: ۱۶). برخی هم گفته‌اند این دشمنی آشکار از همان روز شکل گرفت که شیطان به سجده بر آدم مأمور شد و زیر بار نرفت و استکبار کرد. نتیجه‌اش نیز این شد که از در گاه خدا مطرح گردید. از آن روز با ذریه آدم نیز دشمن شد و همه را به گمراهی تهدید کرد (طباطبایی، ج ۱۷: ۱۵۲).

نکته قابل توجه این هرگز دشمنی که دشمنی‌اش چنین آشکار است و برنامه‌ها و اهدافش روشن است؛ حتی شایستگی دوستی ساده و موقت و یا همراهی کوتاه و مانندان را ندارد؛ چه رسد به این‌که انسان او را معبود خود قرار دهد؛ با آن‌که خداوند چندین بار، از دشمنی آشکار شیطان سخن می‌گوید (البقره (۲): ۱۶۸-۲۰۸؛ الأنعام: ۱۴۲؛ الأعراف: ۲۲؛ یوسف: ۵؛ یس: ۶۰ و زخرف: ۶۲).

«جبل» در آیه، گروه و جماعتی است که در بزرگی به کوه شبیه است (راغب اصفهانی: ۱۸۵) مبنای چنین تشبیهی آن است که شیطان گروه بسیاری به بزرگی کوه را در طول تاریخ گمراه کرده است (ابوالفتوح رازی، ج ۱۶: ۱۶۲؛ طبرسی، ج ۲۰: ۴۲۷؛ بحرانی، ج ۴: ۵۸۰. مکارم شیرازی، ج: ۱۸: ۴۲۹-۴۲۸). چنین کسانی که به روش نابودشدگان حرکت می‌کنند، از نور هدایت بی‌بهره‌اند (مغنیه، ج ۶: ۳۲۱). برخی نیز جماعت بسیار را «جبل» گفته‌اند؛ چون جبلت و فطرت و سرشت همه آنان یکسان است. در فطرت همه انسان‌ها اجتناب از عبادت شیطان و عبادت برای خداوند نهفته و این نکته عهد فطرت آن‌ها است؛ اما آن گروه بسیار، از فطرت خود به خاطر آنچه شیطان آنان را گمراه کرد؛ منحرف شدند (صادقی تهرانی، ج ۲۵: ۹۱-۸۸).

نتیجه آن‌که، جبل گروه بسیار به سان کوه و کثیر تأکید آن است. شیطان گروه بسیار بسیار زیادی را در طول تاریخ از جبلت و فطرت خدادادی گمراه کرده است. گمراه‌گری شیطان با فریب و نیرنگ است؛ ولی آنچه از گمراه‌گری خداوند در قرآن آمده، به معنای کیفری است؛ یعنی گمراهی افرادی مانند کافران مجازات آن‌ها است و این دو با یکدیگر کاملاً متفاوت هستند. به هر حال، خداوند، در آیه مورد بحث، انسان را از عبادت شیطان به دلیل گمراه‌گر بودن او بر حذر داشته؛ چرا که هدایت‌گری از شئون معبود است. روشن است که شیطان با این ویژگی گمراه‌گری، نمی‌تواند اله و معبود باشد؛ چون مطابق عقل و آیات قرآن، از ویژگی‌های مهم معبود، هدایت‌گری است.

۴.۲. عبادت شیطان در نگاه مفسران

همه مفسران- تا جایی که مشاهده شد- عبادت شیطان را در این آیه، به معنای اطاعت از شیطان، بر اثر تزئین، فریب و وسوسه او گرفته و برخی از ایشان، دلیل بر این معنا را وضوح مطلب دانسته‌اند (ر.ک: بغوی، ج ۳: ۲۳۶، ج ۴: ۱۸؛ میبدی، ج ۶: ۵۱؛ ثعلبی، ج ۸: ۱۳۳؛ زمخشری، ج ۴: ۲۳؛ طبری، ج ۲۳: ۱۶؛ آلوسی، ج ۱۲: ۳۹؛ ابن جوزی، ج ۳: ۱۳۳؛ ابن کثیر، ج ۶: ۵۲۰ و سیوطی، ج ۵: ۲۶۷).

از میان این گروه مفسران که عبادت شیطان را به معنای اطاعت او دانسته‌اند؛ برخی گفته‌اند، علت تعبیر به «عبادت» به جای اطاعت، افزودن نفرت از او است و این رویکرد برای آن است که عبادت او، مقابل عبادت خداوند قرار داده شود (آلوسی، ج ۱۲: ۳۹). مرحوم طبرسی اطاعت از شیطان را به منزله پرستش او گرفته و می‌گوید: کافر، شیطان را نمی‌پرستد؛ اما اطاعتش همانند پرستش او است (طبرسی، ج ۱۵: ۱۷۴). برخی از مفسران، برای این معنا (اطاعت به جای عبادت) اذله قرآنی، روایی و اعتباری تحصیل کرده‌اند.

الف. آیات

از جمله این آیات، آیاتی است که در آن‌ها با تعبیر مختلف، سخن از پرهیز از شیطان دارد (طباطبایی، ج ۱۷: ۱۰۲)؛ مثل این آیات: ﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ﴾ (الأعراف: ۲۷) و ﴿وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (الزخرف: ۶۲) و ﴿لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (البقرة: ۱۶۸).

به نظر ایشان، خداوند در این آیات فرزندان آدم را سفارش کرد که شیطان را اطاعت نکنند و با زبان پیامبرانش انسان را از شیطان بر حذر داشت (و نیز ر.ک: طبرسی، ج ۸: ۶۷۲؛ مکارم شیرازی، ج ۱۸: ۴۲۴).

دیگر آیاتی که در آن‌ها عبادت به نظر این مفسران، به معنای اطاعت آمده (ر.ک: میبیدی، ج ۸: ۲۴۲-۲۴۱)؛ عبارتند از: ﴿أَنْ نُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ﴾ (المؤمنون: ۴۷) و: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا﴾ (التوبة: ۳۱). در ذیل این آیه روایتی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «به خدا سوگند که احبار و رهبان، آنان را به عبادت خویشان دعوت نمی‌کردند و اگر دعوت می‌کردند، مردم آن‌ها را اجابت نمی‌کردند؛ ولی برایشان حرامی را حلال و حلالی را حرام کردند و آنان نیز از آن‌ها پیروی کردند. پس،

بدون آن که مردم عوام بفهمند، احبار و رهبان را عبادت کردند» (ر.ک: مکارم شیرازی، ج ۱۸: ۴۲۵).

ب. روایات

دلیل دوم مفسران مبنی بر اطاعت معنا کردن عبادت شیطان، حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام است که در آن اطاعت به معنای عبادت به کار رفته است. به عنوان نمونه از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین نقل شده است: «من أصغى الى ناطق فقد عبده، فان كان الناطق عن الله عزوجل فقد عبدا لله و ان كان الناطق عن ابليس فقد عبدا ابليس؛ هر کس به گوینده‌ای میل و توجه کامل نماید؛ به تحقیق او را عبادت کرده است. پس، اگر گوینده از جانب خداوند باشد، خداوند را عبادت کرده است و اگر از جانب ابلیس باشد؛ به تحقیق ابلیس را عبادت کرده است» (ر.ک: مکارم شیرازی، ج ۱۳: ۷۸، ج ۱۸: ۴۲۶؛ عروسی حویزی، ج ۴: ۳۹۱). باز در روایتی منقول از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «هر کس شخصی را در معصیت [خداوند] اطاعت کند؛ او را عبادت کرده است.» (مکارم شیرازی، ج ۱۸: ۴۲۶). همچنین از ابن عباس چنین نقل شده است: «هر کس چیزی را اطاعت کند؛ او را عبادت کرده است» (سمرقندی، ج ۳: ۱۲۹). در نقلی دیگر، همان بیان ابن عباس، بدون بیان راوی و سند آن آمده است (ثعلبی، ج ۶: ۲۱۷). مفسری می‌نویسد: اگر حدیث «هرکس به گوینده‌ای...» را توسعه مفهومی دهیم، عبادت شیطان مراتبی دارد: از هر کس که او را الاهی خود بگیرد یا شریک خداوند قرار دهد؛ تا کسی که او را در نافرمانی اطاعت کند و بین این دو نیز مراتبی وجود دارد. در واقع، متناسب با هر طاعتی، عبادتی است. پس: «لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»، مثل جمله مستقل، نهی از هر اطاعت برای شیطان در هر معصیت بزرگ و کوچک است؛ اما ورود به دوزخ مخصوص ریشه‌های کفر و گمراهی نظری یا عملی است؛ چرا که در ادامه فرموده است: «اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ». پس، آنچه غیر خدا عبادت می‌شود؛ همه عبادت شیطان است و هر معصیت نیز به آن ملحق می‌شود (صادقی تهرانی، ج ۲۵: ۸۹-۸۸).

ج. عبادت بت‌ها، زیرمجموعه عبادت شیطان

برخی از مفسران، به دلیل این که عبادت بت‌ها زیرمجموعه عبادت شیطان است، عبادت شیطان، را به معنای اطاعت از او در این امر می‌دانند. از نظر ایشان، شیطان، عبادت بت را برای بت پرست زینت می‌دهد و او را می‌فرماید. پس، اطاعت از او در این امر، عبادت او است؛ چرا او به این کار فرمان می‌دهد (ر.ک: آلوسی، ج ۸: ۴۱۵؛ سید قطب، ج ۴: ۲۳۱۲؛ فیض کاشانی، ج ۳: ۲۸۳؛ ابوالفتوح رازی، ج ۱۳: ۸۹؛ قمی مشهدی، ج ۸: ۲۲۸ و ج ۱۱: ۹۰).

د. عدم عبادت بت پرست برای شیطان

برخی از مفسران نیز به این دلیل که بت پرست، شیطان را عبادت نمی‌کرده است، حمل معنای عبادت او را بر اطاعت از او، لازم دانسته‌اند (فخر رازی، ج ۲۱: ۵۴۳). به بیان برخی، عبادت شیطان به معنای معبود گرفتن او، همان گونه معبود گرفتن خداوند نمی‌باشد و تنها به معنای اطاعت مطلق است. پس، «گویا» او معبود است، نه آن که «واقعاً» معبود باشد. لذا اگر عموی حضرت ابراهیم علیه السلام شیطان را عبادت می‌کرد؛ چگونه ابراهیم علیه السلام می‌ترسید از این که به او عذابی از ناحیه خداوند به او برسد، و به وی هشدار می‌داد مبادا او ولی شیطان شود، در حالی که رسیدن عذاب و ولایت شیطان با عبادت شیطان ملازم است، نه آن که یکی در پی دیگری درآید! (صادقی تهرانی، ج ۲۵: ۸۹-۸۸).

ارزیابی دیدگاه مفسران

به نظر می‌رسد نمی‌توان عبادت را در این آیات، به معنای اطاعت مقید و یا حتی اطاعت مطلق بگیریم؛ چون با چند ابهام و کاستی روبه‌رو است که عبارتند از:

۱. عدول از معنای عبادت به اطاعت، دلیل و قرینه می‌خواهد.
۲. اطاعت مطلق، معنای تمام‌نمای عبادت نیست؛ چرا که مثلاً ما به اطاعت مطلق از پیامبر و اولی الامر (النساء: ۵۹)، مأمور هستیم؛ ولی به عبادت ایشان مأمور نیستیم. پس،

روشن می‌شود اطاعت مطلق غیر از عبادت است. هر تذکلی نیز عبادت نیست؛ چنان‌که ما به تذکر در مقابل والدین مامور هستیم (ن. ک: الإسراء: ۲۴)؛ اما به عبادت ایشان امر نشده‌ایم.

۳. توازن در دو کاربرد عبادت، یکی عبادت شیطان و دیگری عبادت خداوند در این آیات موجب می‌شود نتوانیم اطاعت از شیطان را به معنای اطاعت و عبادت دوم (عبادت خدا) را در آن آیه، به همان معنای عبادت اصطلاحی بدانیم؛ گرچه برخی از مفسران، معنای عبادت دوم (عبادت خدا) را احتمالاً به دلیل وضوح معنای آن ذکر نکرده بودند و برخی از ایشان نیز هر دو کاربرد عبادت را در آیه ۶۰ سوره شریفه یس، به معنای اطاعت گرفته بودند. در هر دو حالت، باید دانست که عدول از معنای اصلی، چه لغوی و چه اصطلاحی و عرفی، به ارائه دلیل نیاز است.

۴. یکی از مفسران، کاربرد عبادت، را به جای اطاعت در مورد شیطان، بر مبنای اعجازی و بلاغی قرآن و مبالغه در اطاعت و ایجاد نفرت (آلوسی، ج ۱۲: ۳۹) دانسته که این به دلیل نیاز دارد. در صورتی می‌توان به این توجیه روی آورد که عبادت شیطان را نتوان به معنای اصطلاحی آن دید.

۵. هر چند اتباع از گام‌های شیطان را بتوان اطاعت نامید؛ در آیات مورد بحث سخن از عبادت است، نه اتباع از آن. پس، آیتی که به پرهیز از شیطان دستور می‌دهد، نمی‌تواند دلیلی بر این باشد که عبادت شیطان به معنای اطاعت از او است؛ چرا که در این آیات تعبیر مختلفی برای پرهیز از شیطان به کار رفته است. تبعیت نکردن از شیطان (النساء: ۸۳)؛ تبعیت نکردن از گام‌های او (البقره: ۱۶۸، ۲۰۸؛ الأنعام: ۱۴۲ و النور: ۲۱)؛ اجتناب از عمل او (المائده: ۹۰)؛ دشمن شمردن او (الفاطر: ۶)؛ دوست نگرفتن او (النساء: ۳۸-۱۱۹)؛ فریفته نشدن به واسطه او (الأعراف: ۲۷)؛ پناه بردن به خداوند از او (الأعراف: ۲۰۰؛ النحل: ۹۸)؛ فصلت: ۳۶)؛ باز داشته نشدن از راه خدا به واسطه وسوسه‌های او (الزخرف: ۶۲)؛ اعلام جنگ با دوستان شیطان (النساء: ۷۶)؛ و عبادت نکردن او (یس: ۶۰؛ مریم: ۴۴)؛ همه تعبیر

قرآنی درباره پرهیز از شیطان است. این تفاوت تعبیر را با توجه به حکمت الاهی و اعجاز قرآن، نمی‌توان بی‌دلیل دانست و یا هر یک از این تعبیر را بدون دلیل به جای دیگری به کار برد. به طور نمونه نمی‌شود گفت، عبادت دقیقاً همان تبعیت است؛ گرچه ممکن است مفهوم آن به یکدیگر نزدیک باشد. پس، نمی‌توان عبادت را به معنای اطاعت دانست.

۶. استناد به آیاتی که در آن‌ها عبادت را به معنای اطاعت گرفته‌اند؛ مصادره به مطلوب است؛ چرا که عبادت به معنای اطاعت در این آیات، به دلیل نیازمند است. در آیه مربوط به پیرو یا حبار و رهبان، باید سرتاسر آیه را دید. عموم مردم احبار و رهبان را رب گرفتند: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا...﴾ (التوبة: ۳۱). در ادامه آیه آمده است: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا إِلَهًا وَاحِدًا﴾. همین سمت ربوبی برای آن‌ها، به عبادت آنان منجر شده است. آیه مربوط به عبادت فرعون باید با دقت بیش‌تری بررسی شود. فرعون در قرآن، به برتری‌جویی در زمین (القصص: ۴ و المؤمنون: ۴۶)، ادعای ربوبیت (النازعات: ۲۴)، ادعای مالکیت مصر (الزخرف: ۵۱) و ادعای الوهیت (الشعراء: ۲۹) متصف است. در قرآن کریم هم سخن از عبادت فرعون است و هم سخن از اطاعت او. البته این دو منافات ندارد: هم از او اطاعت می‌کردند و هم او را عبادت می‌کردند یا این‌که برخی از مردم او را عبادت می‌کردند؛ و برخی تنها از او اطاعت می‌کردند؛ اما در هر صورت، عبادت غیر از اطاعت است.

۷. چنان‌که در معنای اصطلاحی عبادت گفتیم، عبادت با الیه و رب، پیوند معنایی دارد و از آیات شریفه قرآن به خوبی می‌توان آن را دریافت. به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا إِلَهًا وَاحِدًا﴾ (التوبة: ۳۱). مسیحیان، دانشمندان علوم دینی خود و حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ را ابتدا به جای خداوند، رب؛ یعنی مالک مدبر در امر تشریح قرار دادند؛ سپس در مقابل ایشان منقاد و خاضع شدند و آن ارباب را آلهه و معبودان خود قرار دادند و به عبادت آن‌ها پرداختند.

همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَ رَبُّ الْمَشَارِقِ﴾ (الصافات: ۵-۴) الهه یگانه، همان ربّ و مالک مدبّر همه هستی است. این آیه نشان می‌دهد که الهه و رب به یکدیگر مرتبط هستند. خداوند در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿مَنْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (البقره: ۱۳۳) فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام در پاسخ او که می‌پرسد: چه چیزی را عبادت می‌کنید؟ می‌گویند: الهه تو و اجدادت را- که الهه یگانه‌ای است- عبادت می‌کنیم. این آیه نیز نشان می‌دهد که الهه و معبود به یک معنا است و کسانی که عبادت را به معنای خضوع در برابر الهه می‌دانند، موضوع را در تعریف اخذ کرده، به خطا رفته‌اند؛ چون الهه به معنای معبود است. همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (الکهف: ۱۱۰). از این آیه روشن می‌شود الهه ابتدا رب است و سپس عبادت می‌شود. نتیجه بحث این که عبادت فرایندی است که ابتدا کسی یا چیزی، درست یا غلط دانسته یا نادانسته رب قرار می‌گیرد و سپس مربوب در برابر وی منقاد و خاضع می‌شود و این رب به الهه تبدیل و عبادت می‌شود. پس، عبادت «خضوع و تسلیم در برابر رب» است؛ و لذا هر نوع خضوع و یا اطاعتی، عبادت نیست.

۸. ادله روایی این گروه از مفسران، یک درجه از عبادت را بیان و از آن با تعبیر «اصغا» یاد می‌کند. اصغا، میل همراه با عطوفت (مصطفوی، ج ۶: ۲۴۶)؛ یا تمام رخ توجه کردن (ابن اثیر جزری، ج ۳: ۳۳) است. توجه کنیم که این نوع اصغا شنونده نسبت به گوینده موجب عبادتی نمی‌شود، بلکه شرک در عبادت محسوب گردد که به تعبیر قرآن گناه نابخشودنی است. (النساء: ۱۱۶ و ۴۸). در دو آیه مورد بحث به، عبادت شیطان به ورود دوزخ می‌انجامد. پس، عبادتی است که بخشودنی نیست. آری؛ اگر شنونده نیز گوینده را

رب ببیند و او را مالک مدبّر شأنی از شئون خود بپندارد. (همانند عموم مردم که به احبار و رهبان گوش سپردند و عبد آنان شدند) به شرک عبادی غیر قابل بخشش منجر می‌شود. بنابراین، ممکن است روایت ناظر به همین مرتبه از گوش سپردن باشد؛ و اِلّا نمی‌توان این عبادت در روایت را با عبادت شیطان در آیه همسان دانست.

۹. گرچه عبادت بت از اوامر شیطان است و بت پرست او را در این امر اطاعت می‌کند؛ اگر عبادت شیطان، اطاعت او و در همین حد باشد، وقتی به مطیع تذکر داده می‌شود، بایستی متوجه خداوند شود، نه این که با خشونت برخورد و تهدید کند. بنابراین، که پشت صحنه عبادت بت، عبادت شیطان است و حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام پشت صحنه بت پرستی را می‌بیند و آزر و هر کس دیگر که شیطان را عبادت می‌کند، وی را مالک مدبّر حیات خود می‌پندارد. به همین رو گفتیم، بین همه مراتب عبادت شیطان و ولایت‌پذیری او تلازم نیست؛ بلکه عبادت پررنگ، موجب ولایت‌پذیری شیطان می‌شود. اگر خود عبادت شیطان را نیز بخواهیم، عذاب بدانیم؛ در این صورت، با همه انواع گناهان مشترک است. حقیقت و باطن هر گناهی نوعی از انواع عذاب است که گناهکار را احاطه کرده است. افزون بر آن، کیفر کسی که تنها اطاعت کرده و اگر حقیقت به او برسد پشیمان می‌شود؛ عذاب و ولایت شیطان نیست.

۳. نتیجه

عبادت در لغت، به معنای خضوع و تذلل است. عبادت در اصطلاح قرآن، فروتنی و انقیاد در برابر رب است. رب واقعی، مالک مدبّر خلقت، عزّت و ذلّت، نفع و ضرر، رزق و روزی، شفاعت، هدایت و ضلالت، مرگ و حیات و... است. ممکن است کسی، غیر خدا را در شأنی از شئون - هر چند ناخودآگاه - ربّ مستقل ببیند و در برابر او کرنش کند. در این صورت، الاله او خواهد شد و این کرنش و خضوع، عبادت اصطلاحی است.

در قرآن دو مورد درباره عبادت شیطان آمده است. همه مفسران- تا جایی که ملاحظه شد- عبادت شیطان را در هر دو مورد به معنای اطاعت گرفته‌اند. از جمله دلایل آنان، آیات پرهیز از شیطان یا آیاتی است که در آن عبادت را به معنای اطاعت دانسته؛ همچنین حدیث «من اصغى...» و روایات مشابه آن، عبادت بت‌ها زیرمجموعه عبادت شیطان و عدم عبادت بت‌پرست برای شیطان است. البته یک از این دلایل در این زمینه تام نیست. این نظریه با چند اشکال روبه‌رو بود؛ از جمله این‌که اطاعت، غیر از عبادت است و عدول از عبادت به اطاعت به دلیل نیازمند است و با سیاق آیات تناسب ندارد، ضمن آن‌که ادله مفسران ناتمام است.

بنابراین، عبادت شیطان نیز مطابق اصطلاح قرآنی، به این معنا است که شخص، او را بر اثر پیروی مدام رب و مالک مدبر امور خود دانسته و از این رو شیطان را الیه خود قرار می‌دهد و با انقیاد در برابر او، وی را عبادت می‌کند. به عبارت دیگر، در مقابل شیطان به عنوان معبود، خضوع می‌کند و تسلیم او است.

منابع

قرآن مجید.

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*، با تحقیق و تصحیح محمود محمد طناحی، چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*، با تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار الکتب العربی.
۳. ابن فارس (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*، با تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*، با تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، با تحقیق جمال الدین میر دامادی، سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، با تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، با تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، با تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة قم، تهران: بنیاد بعثت.
۹. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ ق). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، با تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۰. بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. با تحقیق واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم: بنیاد بعثت.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، ابو محمد بن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، با تحقیق علی هلالی و تصحیح علی سیری، بیروت: دارالفکر.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، با تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار الشامیة.
۱۴. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، سوم، بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۲ق). *الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل*، ج ۲، سوم، قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامیة.
۱۶. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی تا). *بحر العلوم*، با تحقیق ابو سعید عمر بن غلامحسن عمروی، بیروت: دار الفکر.
۱۷. سید بن قطب، بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، هفدهم، بیروت- قاهره: دارالشروق.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، دوم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه مترجمان، با تحقیق رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی.
۲۲. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
۲۳. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، با تحقیق احمد حسینی اشکوری، سوم، تهران: مرتضوی.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، با تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۲۶. حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*، با تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۷. رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*، سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۲۹. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، با تحقیق حسین اعلمی، دوم، تهران: انتشارات الصدر.
۳۰. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، دوم، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۳۱. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*، ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (بی تا). *لطائف الاشارات*، با تحقیق ابراهیم بسیونی، سوم، مصر: هیئة المصریة العامه للکتاب.

۳۳. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، با تحقیق حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۴. گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق). *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۵. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، سوم، بیروت- لندن- قاهره: دار الکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۶. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۸. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عده الأبرار*، با تحقیق علی اصغر حکمت، پنجم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۹. نجار زادگان، فتح الله (بی تا)، *معناشناسی ربّ در نظام تعالیم وحی*، www.ut.ac.ir.
۴۰. _____ (۱۳۹۱). *بررسی و ارزیابی ادله توسل، شفاعت، تبرک و زیارت*، قم: زائر.